

منظومه مَصور

سفرنامه دیار پیامبران

«جلد اول»

www.ketab.ir

اثری از احمد تراییان

انتشارات

خدمات فرهنگی کرمان

۱۴۰۰

سرشناسه	: ترابیان، احمد، ۱۳۲۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: سفرنامه دیار پیامبران / اثری از احمد ترابیان.
مشخصات نشر	: کرمان : خدمات فرهنگی کرمان ، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲ ج.؛ مصور.
شابک	: دوره ۹-۳۷۶-۲۸۵-۶۰۰-۹۷۸ : ج. ۱. ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۵-۶۰۰-۹۷۸ : ج. ۲. ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۵-۶۰۰-۹۷۸-۳-۳۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: بالای عنوان: منظومه مصور.
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: منظومه مصور.
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- Persian poetry ۲۰th century شعر مذهبی فارسی -- قرن ۱۴ -- Religious poetry, Persian ۲۰th century پیامبران -- شعر -- Poetry -- Prophets
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۲۷
رده بندی دیویی	: ۸۱۵.۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۰۳۳۵۸

انتشارات خدمات فرهنگی کرمان

کرمان: خیابان شریعتی، جنب کتابفروشی فرهنگ

تلفن: ۰۳۴-۳۲۲۲۰۶۸۰ دورنگار: ۰۳۴-۳۲۲۲۴۶۰۸

سفرنامه دیار پیامبران ج ۱

مؤلف: احمد ترابیان

قیمت جلد اول: ۱۲۰۰۰۰ تومان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

چاپ و صحافی: فرهنگ @farhang.pri

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۵-۳۷۷-۶

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۵-۳۷۶-۹

شماره واتساپ: ۰۹۱۳۴۴۲۶۳۶۰

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۶	مقدمه
۱۹	سخن ناشر
۲۰	دیباچه
فصل اول - مقدمات	
۲۵	شجره نامه پیامبران
۳۲	تصاویر عده ای از شخصیت های قصه ها به ترتیب ورود به قصه
۳۵	عجز و اعتذار
۳۸	سخنی با خدا
۴۱	آدم و حوا
۴۴	اخراج از بهشت
۴۶	علفهای هرز
۴۷	آزمایشگاه هستی
۴۸	هابیل و قابیل
فصل دوم - منزل اول	
۵۲	وادی نوح نبی
۵۵	خانه حضرت نوح نبی
۵۸	زندگی در خانه حضرت نوح نبی
۶۲	ساختن کشتی
۶۵	نزول عذاب
۶۷	مهندسی حضرت نوح برای ساخت شهر جدید
۶۹	پیشگویی و وصیتهای حضرت نوح
۷۰	زندگی در جوار حضرت نوح در شهر ثمانین
۷۴	حداحفاظی از حضرت نوح و یاران

فصل سوم - دوران فترت

آواره‌گی	۷۷
ورود به شهر موصل	۸۰
ورود به شهر شوش	۹۱
حرکت به سوی کوفه سرزمین ادريس پیغمبر	۹۶
ورود به کویت	۱۰۷
ورود به قطر	۱۱۵
رسیدن به مسقط	۱۳۱
یمن (دیار ارفخشذ نبی)	۱۳۹

فصل چهارم - قافله فسق

قافله فسق	۱۴۸
پیر حلب	۱۵۱
شب اول ملاقات پیر حلب	۱۵۴
یک اتفاق	۱۶۰
بازگشت پیر به خیمه خود	۱۶۲
شب دوم ملاقات با پیر حلب	۱۷۰
شب سوم ملاقات پیر حلب	۱۷۰
سازندگی	۱۷۵
توصیه های پیر حلب	۱۷۴
در خیمه پیر حلب و خشم او	۱۷۶
سخنرانی پیر حلب	۱۸۰
پیغمبر دزدان (نبی السارقین)	۱۸۳

فصل پنجم - شهر ثمن

ورود به شهر ثمن	۱۹۲
خانه شیخ ثمن	۱۹۴
زمینه سازی ظهور حضرت هود بوسیله بشیر	۱۹۹

۲۰۰	توصیه های قباد (نبی السارقین).....
۲۰۲	تنهایی در خانه شیخ ثمن.....
۲۰۷	همایش بزرگ زمینه سازی ظهور حضرت هود.....
۲۰۹	مزاح با شیخ ثمن.....
۲۱۰	پاسخ شیخ ثمن و گفتگو با هم.....
۲۱۱	در بحر تفکر.....
۲۱۱	شیخ ثمن در تدارک میهمانی.....
۲۱۳	آمدن پیر حلب و نبی سارقین.....
۲۱۳	اظهارات قباد، در مورد جستجو برای یافتن صالح.....
۲۱۴	عصبانیت شیخ ثمن.....
۲۱۸	مراسم استقبال از شاه یمن.....
۲۲۰	بیماری سلطان یمن.....
۲۲۲	در جستجوی معشوق.....
۲۲۳	در وصف معشوق.....
۲۲۴	ورود ملکه و همراهان.....
۲۲۶	بدگونی ملکه از شاه.....
۲۲۷	ورود سلطان یمن.....
۲۳۱	اظهارات پیر حلب.....
۲۳۲	رسیدن به حضور پادشاه یمن.....
۲۳۴	رسیدن قباد.....
۲۳۵	شناسائی صالح در کهنه زندان صنعای یمن.....
۲۳۷	برگزاری جشن عروسی.....
۲۴۰	عکس العمل ملکه.....
۲۴۳	درد دل های شیخ ثمن.....
۲۴۶	ادامه درد دل های شیخ ثمن.....
۲۴۸	محکومیت شیخ ثمن به اعدام و فرار به وسیله ناجی.....

- ۲۵۳..... ملاقات با شیخ الشیوخ تاجران
- ۲۵۶..... معرفی شیخ الشیوخ یوسیله ناجی
- ۲۵۷..... اظهارات شیخ الشیوخ
- ۲۶۰..... پیشنهادات شیخ ثمن به شیخ الشیوخ
- ۲۶۱..... قبول همکاری شیخ الشیوخ
- ۲۶۲..... برنامه سازندگی شیخ ثمن (اظهارات شیخ ثمن)
- ۲۶۷..... رسیدن پیک از صنعای یمن (اظهارات شیخ ثمن)
- ۲۶۸..... رسیدن نامه دوم از صنعاء (اظهارات شیخ ثمن)
- ۲۷۳..... رسیدن همسر و فرزندان و همراهان (اظهارات شیخ ثمن)
- ۲۷۵..... اظهارات شیخ از شروع زندگی خانوادگی در ثمن
- ۲۷۶..... پیدا کردن شایعه پرداز
- ۲۷۷..... حرکت خودسرانه یونس عیار
- ۲۷۹..... اعترافات تاجر هندی تبار
- ۲۸۱..... پیدا شدن خانواده تاجر هندی تبار
- ۲۸۴..... ادامه درد دل‌های شیخ ثمن
- ۲۸۶..... پیشنهادات نبی سارقین (قباد)
- ۲۸۸..... حرکت پیر حلب و قباد به سوی احقاف
- ۲۸۸..... رسیدن نامه سوم از سوی بانوی شاه
- ۲۸۹..... فرصتی برای راوی (بشیر) و زندگی در کنار خانواده
- ۲۹۱..... گشت و گذاری در شهر ثمن
- ۲۹۳..... برگشت قباد از احقاف
- ۲۹۵..... بازگشت شیخ ثمن از صنعاء و پیر حلب از کاروان
- ۲۹۵..... گزارش پیر حلب از فروش املاک
- ۲۹۷..... گزارش شیخ ثمن از وضعیت شاه و سفر به صنعاء
- ۲۹۸..... گزارش بشیر (راوی) از اوضاع ثمن

فصل ششم - سرزمین احقاف

۳۰۳.....	حرکت به سوی احقاف (حوزه رسالت حضرت هود)
۳۰۵.....	رسیدن به شهر احقاف
۳۰۹.....	رسیدن بر بیت حضرت هود
۳۱۰.....	مُغنی
۳۱۳.....	ملاقات با حضرت هود
۳۱۶.....	گفته‌های پیر حلب
۳۲۰.....	گفته‌های شیخ ثمن
۳۲۱.....	اظهارات مُغنی
۳۲۰.....	اظهارات قباد (نبی سارقین)
۳۳۱.....	رسیدن مشتری برای خرید اجناس دزدی (اظهارات قباد)
۳۳۶.....	ملاقات با قسام شرور (اظهارات قباد)
۳۴۱.....	حرکت بسوی دمشق (اظهارات قباد)
۳۴۶.....	ورود به خانه سردار خان (اظهارات قباد)
۳۵۴.....	برگزاری مراسم عقدکنان (اظهارات قباد)
۳۵۷.....	آمدن آیوب (اظهارات قباد)
۳۶۱.....	ماجرای پدر ایوب (اظهارات قباد)
۳۷۰.....	شروع اقدامات در اداره املاک سردار خان (اظهارات قباد)
۳۷۱.....	بازگشت از ماموریت (اظهارات قباد)
۳۷۵.....	سخنان حضرت هود در معرفی بشیر
۳۷۶.....	تعریف حضرت هود از احوالات گذشته خود
۳۷۸.....	منابع و مأخذ

مقدمه:

شاعری بنام «ویلیام وردزورث» می گوید «شعر، کلام گزیده دور از دسترس مردم عادی است» شاید یک پروانه برای انسان های معمولی که لایه های تودرتوی یک پدیده را نمی بینند، تنها پرنده ای رنگین باشد که در هوا بال می گشاید و طنّازی می کند و آدمی را به وجد می آورد، اما همین پروانه وقتی بر بام اندیشه شاعر می نشیند و لحظه ای در برابر نگاه متفاوت و تیزبین او قرار می گیرد، نمودهای دیگری پیدا می کند که گوئی از دیدگاه ما پنهان مانده بود.

همه خفتند به غیر از من و پروانه و شمع
یا آنجا که شاعر تعبیر نان ای از پروانه ارائه می دهد که:

نالیدن بلبل زنو آموزی عشق است هرگز نشنیدیم ز پروانه صدائی

همانگونه که پیداست، پروانه ای که در چشمخانه شاعر نشسته و او را وسوسه کرده است، دیگر آن پروانه ای نیست که افرادی عادی جامعه می بینند و کودکان عاشق پروانه، بدنبال او می دوند.

بر این اساس باید گفت شعر فاخر بیانی از ضمیر روشن و آگاه انسانی فرزانه است که می کوشد نادیده ها و ناگفته ها و ناشنیده ها را باهم آغوشی کلمات و پردازش زیبای آن، در قالب بیانی تازه و بدیع، عرضه کند که صدا البته اگر شعری تهی از این اصل باشد، در قالب آن معنا نمی گنجد و نام دیگری باید برایش برگزید.

هرچه وزانت شعر بیشتر باشد، تاثیر گذارترست، اصلاً یکی از ویژگی های شعر فاخر همین تاثیر گذاری است یعنی آدمی را تا بیکرانه ها بدنبال خود می کشد و او را به عوالمی می برد که جز از شعر بر نمی آید، مثلاً آنجا که سعدی می گوید:

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن من خود به چشم خویشان دیدم که جانم می رود

آدمی همراه کلام او، ره می پوید و در آئینه خیال آنگونه، صحنه ها را به تماشا می نشیند که در وضعیت دیگری، هرگز به آن دست نمی یابد. شاید بهمین دلیل است که شفیع کدکنی، شعر را «گره خوردگی عاطفه و تخیل که در زبان آهنگین شکل گرفته است» می داند و یکی از شاعران روسی، شعر را «رستاخیز کلمه ها» تعبیر می کند.

براین اساس می توان دریافت که شعر چیست و شاعر کیست. در این میان آنچه باقی می ماند سلیقه برخی سرایندگان است که مفهوم و معنی را بر ظرافت و لطافت ظاهر ترجیح می دهند، به سخن دیگر، برای سراینده، محتوا اصل است و چگونگی سرایش، فرع، اگر در میان اشعار اخیر، گاه به مواردی بر می خوریم که اندکی از حوزه قوانین نظم برون شده و وزن های شعری با اشکال روبروست، از این نظریه مایه گرفته است.

تردید نیست که قصص انبیاء، خود به تنهایی، خواندنی و شنیدنی است و نیازی به زیب و زیور ندارد با این همه آنگاه که به نظم کشیده شود، لطافت تازه ای می یابد و از حال و هوای خواندنی تری برخوردار می شود برای دوست و همکار و وزگار خدمتگزاریم در سازمان منطقه ای بهداری و بهزیستی استان کرمان - آقای ترابیان که ایام بازنشستگی را نیز دریافته و اوقات فراغت خویش را صرف نوشتن و خواندن و سرودن کرده است. توفیق افزون آرزو می کنم.

سید محمد علی گلابزاده

مدیر مرکز کرمان شناسی

زمستان ۹۹